

زهرآ چیدزی

اگر فقط به عنوان یک مخاطب محتوای منتشر شده در فضای مجازی را مورد بازبینی و قضاوت قرار دهید بدون شک می‌پذیرید آنچه در این فضا به انتشار درمی‌آید در اغلب موارد قابل قبول نیست. با وجود این وقتی می‌خواهیم دربارهٔ محتوای عرضه شده در شبکه‌های اجتماعی قضاوت کنیم باید به سطح جامعه و فضای واقعی ورود یابیم و از منظر روانشناختی و جامعه‌شناختی بررسی کنیم و ببینیم چه اتفاقی در گف جامعه در حال رخ دادن است که خود را به این شکل در فضای مجازی به نمایش می‌گذارد. ضمن آنکه‌هنگونه که لازمه داشتن یک جامعه سالم و خطوط قرمز و ملاحظات فضای حقیقی را ندارد و مردم خود واقعی‌شان را نشان می‌دهند. با این همه تجربه جهانی نشان می‌دهد برای سالم‌سازی فضای مجازی راهکارهایی وجود دارد و همانگونه که لازمه داشتن یک جامعه سالم و ایمن وضع قوانین و کنترل‌های انضباطی و اجتماعی است. برای آنکه افشار و گروه‌های اجتماعی مختلف بتوانند بدون آنکه آسیبی ببینند از امکانات فضای مجازی منتفع شوند نیز نیاز است تا این فضا با قواعد، ابزارها و راهکارهایی ایمن شود. یکی از مهم‌ترین راهکارهای موجود در این زمینه راه‌اندازی شبکه‌ملی اطلاعات است. امری که تکلیف قانونی برنامه پنجم توسعه را در پشت خود دارد و علاوه بر اسکان ارائه اینترنتست پر سرعت به کاربران داخلی، ایمن‌تر و ارزان‌تر است و راه‌اندازی آن موجب می‌شود تا از صورت نیاز به پهنای باند بین‌المللی امکان بهره‌برداری از اینترنت پر سرعت برای کاربران فراهم شود. این طرح قانونی اما مانند بسیاری از قوانین دیگر هنوز جامه عمل نپوشیده است و در بن‌بست «همه‌هنگی‌های بین بخشی» باقی مانده است. شبکه‌ملی اطلاعات، محاسن و موانع تحقق آن، فیلتر ینگ فضای مجازی، سالم‌سازی فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و محتوای اطلاعات منتشر شده در آن موضوعاتی است که برای بررسی آن به سراغ دکتر حسن نجفی سولاری مشاور دبیر شورای عالی فضای مجازی و مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور فناوری اطلاعات رفته‌یم و با وی به گفت‌وگو نشستیم.

■ ■ ■

آیا تاکنون پژوهشی در ارتباط با محتوای منتشرشده فضای مجازی در کشور مان انجام شده است؟

خیر، تاکنون پژوهشی نداشته‌ایم.

پس نمی‌توانیم به شکل مستند بگوییم چند درصد از فضای مجازی در کشور مان سالم و چند درصد ناسالم است؟

نه، نمی‌توانیم.

نظر شخصی شما در این رابطه به عنوان یک کارشناس فضای مجازی چیست؟

من فکر می‌کنم همانگونه که در یک سرزمین واقعی قانون و قاعده وجود می‌گذاریم برای فضای مجازی هم باید قانون و قاعده گذاشت.

یعنی به باور شما امکان ساماندهی فضای مجازی وجود دارد؟

بله، تجربه دنیا نشان می‌دهد با وجودی‌که این تکنولوژی متعلق به خودشان بوده است، اعمال قانون و کنترل‌هایی بر فضای مجازی مقدور بوده و شدنی است. مثلاً در تمام دنیا دربارهٔ محتوایی که کودکان می‌توانند در فضای مجازی به آن دسترسی داشته باشند قانون و قاعده وجود دارد و هم‌اکنون این‌قاعده‌ها اعمال می‌شود، بنابراین چنین امری مقدور است.

ظاهر مطرح سالم‌سازی فضای مجازی به صورت آزمایشی در حال اجراست. درباره این طرح توضیح می‌دهید؟

سند بالادستی این طرح در شورای عالی فضای مجازی مصوب شده است یعنی اصول و سیاست‌ها و ارزش‌های آن تعیین و به همه‌های حاکمیتی به دولت، مجلس و قوه‌قضائیه ابلاغ شده است. به بیان دیگر سند ملی این طرح در نظام پذیرفته و ابلاغ شده است. در سطح بعدی کارهایی است که باید بخش‌های مختلف انجام بدهد.

بخش‌های مختلف چه کارهایی در زمینه سالم‌سازی فضای مجازی باید انجام دهند؟

هر حوزه‌ای در نظام یک وظایف عملیاتی دارد تا فضای مجازی پاک ایجاد شود. این مرحله دوم است که هر کسی باید برنامه‌اش را بیابود و این برنامه‌ها در شورای عالی فضای مجازی یا سازمان برنامه و بودجه یا آیین‌نامه داخلی دولت مصوب و عملیاتی شود.

کمی مصداقی‌تر توضیح می‌دهید؟

مثلاً یکسی از راهکارهای ایجاد فضای مجازی پاک ایجاد پورتال‌های مرجع ملی است که به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واگذار شده است. این وزارتخانه بدین منظور باید برنامه ملی‌اش را بیابود و در شورای عالی فضای مجازی آن را تصویب کند. در مرحله بعدی باید طرحش را با سازمان برنامه و بودجه ببرد تا پول و امکانات لازم برای اجرا را بگیرد و سپس برای اجرا به شرکت‌های خصوصی واگذار کند تا پورتال‌های مرجع ایجاد شود و مردم به جای رجوع به سایت‌های بیگانه بتوانند از این سایت‌های داخلی نیازهایشان را برطرف کنند.

مرکز ملی فضای مجازی برنامه‌های متعددی را پیشنهاد داده است. در برنامه ششم توسعه تکلیف شده است تا همه دستگاه‌ها برنامه‌های مربوط به فضای مجازی‌شان را هم پیشنهاد بدهند. بر این اساس بندی در سیاست‌های کلان نظام مصوب مجمع تشخیص مصلحت‌نظام گنجانده و به دستگاه‌ها ابلاغ شده که در برنامه ششم خود باید برنامه‌های ملی‌شان را برای فضای مجازی هم پیشنهاد بدهند.

آیا برای این فراخوانی که اشاره داشتید زمان بندی هم در نظر گرفته شده است و قرار است دستگاه‌ها گزارش دهی داشته باشند؟ در صورتی که این کار را انجام ندهند چه می‌شود؟

برنامه ششم آخرین مهلتش آخر امسال است و باید در مجلس مصوب شود بنابراین به نظر می‌رسد دولت پنج، شش ماهی بیشتر فرصت نداشته باشد. تا جایی که من خبر دارم کار گروه‌ها تشکیل شده‌اند و در ارتباط با برنامه ششم همه گروه‌ها و دستگاه‌ها مشغول کار هستند.

شبکه ملی اطلاعات چطور؟ در آخرین جلسه شورای عالی فضای مجازی روی موضوع راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات هم بحث شده است. آیا قرار نیست این شبکه با لایحه راه‌اندازی شود؟

بله حتماً، در حال حاضر برای راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات تأخیر داشته‌ایم. برنامه ملی شبکه ملی اطلاعات جزو برنامه‌های تکلیفی و مصوب قدیم است یعنی مربوط به دوره قبلی شورای عالی فضای مجازی و مصوبه است اما وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات متولی آن است و آنها هم دارند کار می‌کنند.

یکی از ضروریات ایجاد فضای مجازی پاک شبکه ملی اطلاعات است.

پس شما هم جزء موافقان راه‌اندازی این شبکه‌هستید؟

بله، اصلاً بحث موافق و مخالف نیست چون در همه دنیا شبکه ملی اطلاعات دارند. در کشورهای غربی هم شبکه ملی اطلاعات وجود دارد.

چرا در همه جای دنیا شبکه ملی اطلاعات وجود دارد؟ در کشورهای غربی‌که خودشان مالک فضای مجازی‌اند وجود شبکه ملی اطلاعات چه ضرورتی دارد؟

من جواب این سؤال شما را با یک مثال ساده می‌دهم. شما اگر در تهران زندگی می‌کنید و می‌خواهید با شهرستان تماس بگیرید با گرفتن یک صفر، کد آن شهرستان را می‌گیرید اما اگر بخواهید مثلاً با زاین تسلفنی داشته باشید دو تا صفر می‌گیرد. اما چنددرصد نیاز می‌شود تا شما با خارج از کشور تماس داشته باشید و دو صفر را شماره گیری کنید؟ طبیعتاً خیلی کم و بنا به ضرورت.

دقیقاً مثل همین ماجرا را در فضای مجازی داریم. اکثر تعاملات ما در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و در فضای مجازی و اینترنت داخلی است بنابراین دلیلی ندارد که ما آی پی خود را به دنیا معرفی کنیم و بعد از آنجا کد بگیریم و برگردیم به کشور خودمان. به طور مثال وقتی شما می‌خواهید بسه همکار یا خواهرتان در اتاق کناری یک ایمیل بزنید در عمل آی پی شما از امریکا به اتاق کناری منتقل می‌شود. اما در صورت راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات تمام این تعاملات داخلی می‌شود در عین حالی که اینترنت هم داریم. اصلاً عملیات‌های ما روی بستر اینترنت انجام می‌شود. ولی گردش‌های تمام مرزوات محلی، محله‌ای و منطقه‌ای داخلی می‌شود که این خود منجر به بالا رفتن سرعت اینترنت و امکان ارائه پهنای باند بیشتر و کاهش هزینه‌های شود.

در این صورت نگرانی‌هایی که در خصوص جاسوسی و سرقت اطلاعات وجود دارد نیز بر طرف می‌شود و شبکه‌ای امن‌تر خواهیم داشت. درست است؟

دقیقاً، اگر ما شبکه ملی اطلاعات داشته باشیم دیگر نگران نیستیم تا اطلاعاتی که در مکاتبه‌ای دوستانه رد و بدل شده، مورد جاسوسی قرار بگیرد، چون محتوا در اختیار خودمان است و بیگانه‌ای به آن دسترسی پیدا نمی‌کند.

آقای دکتر! یک نگرانی هم به موازات اخباری که هر از چندگاه در رابطه با راه‌اندازی شبکه اطلاعات در جامعه مطرح می‌شود، وجود دارد و آن نگرانی از قطع دسترسی به اینترنت تا راه‌اندازی چنین شبکه‌ای است. آیا شما چنین اتفاقی را تأیید می‌کنید؟

اصلاً اینطور نیست. اتفاقاً من می‌خواهم بگویم توسعه پیدای می‌کند چون حجم زیادی از گردش اطلاعات در داخل انجام می‌شود و پهنای باند بین‌المللی برای کارهای خاص می‌ماند. به طور مثال اگر شما به دنبال کتابی باشید، ابتدا به سراغ کتابخانه ملی می‌روید و اگر کتابخانه ملی آن کتاب را نداشته می‌توانید به طور نمونه آن کتاب را از کتابخانه کنگره ملی امریکا تهیه کنید و برای این مسئله مشکلی وجود ندارد. اما در



گذری بر هزار توی فضای مجازی در گفت‌وگو با مشاور دبیر شورای عالی فضای مجازی

نظام هوشمند فیلترینگ عین حقوق بشر است

حال حاضر اگر بخواهیم به کتابخانه ملی کشور سر بزیم پهنای باند بین‌المللی را اشغال می‌کنیم به همین خاطر هم دسترسی مان سخت است. اما در صورت راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، دسترسی ما به کتابخانه ملی بسیار سهل می‌شود و با سرعت بالا به آن متصل می‌شویم. در این شرایط اگر محتوای مورد نظر را در کتابخانه ملی پیدا نکردیم به راحتی می‌توانیم به کتابخانه کنگره امریکا وصل شویم، چراکه پهنای باند از سوری دیگران اشغال نشده است. بنابراین با راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات نه فقط محدودیتی در استفاده از اینترنت ایجاد نمی‌شود بلکه ارتباط سریع‌تر و وسیع‌تر می‌شود.

آقای دکتر نجفی! همانگونه که مستحضر هستید راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات مربوط به امروز و دیروز نیست و از سال ۸۹ مصوب و در قانون برنامه پنجم توسعه نیز جای گرفته است. شما چه موانعی بر سر راه اجرای این قانون می‌بینید؟ آیا راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات منافع گروهی را به خطر می‌اندازد و دست‌های پنهان مانع از اجرایی شدن آن می‌شوند؟

نه اینگونه نیست. متغیرهای یا عوامل اثر گذار بر راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات متعدد است. نخستین عامل فنی است و باید یکسری اقدامات فنی خاص انجام شود تا بتوانند ترافیک را به داخل انتقال بدهند. مثلاً ما باید یکسری دیانسنترهای پر قدرت در داخل کشور داشته باشیم که بارگزارای محتوایی داخل کشور انجام شود. در صورتی که اطلاعات لازم در شبکه داخلی موجود نباشد کاربر ما باز به سراغ شبکه‌های بین‌المللی می‌رود. پس اولین مشکل، ایجاد زیرساخت‌های قوی داخلی است. دومین مسئله جداسازی ترافیک است. درست مانند خط کنی

نه نشده است. یک جاهایی ناهماهنگی می‌داریم. محتوای لازم را نتوانسته‌ایم برای این مقصود فراهم کنیم، عناصر فنی آن را نتوانسته‌ایم ایجاد کنیم، عوامل و عناصر فنی کار را نتوانسته‌ایم ایجاد کنیم، ظرفیت‌های ملی را فعال نکرده‌ایم تا این شبکه ملی اطلاعات بیاید و درحال حاضر در زمینه سرعت اینترنت و پهنای باند و محتوای بومی و جداسازی اینترنت از اینترنت‌انگرنی نداشته باشیم و مزه هزینه کمتر کردن و راحتی بیشتر داشتن را بچشمیم.

در واقع اگر بخواهیم صریح‌تر صحبت کنیم کم کارهایی در این بین باعث شده که شبکه ملی اطلاعات طی پنج سال با وجود تکلیف قانونی راه‌اندازی نشود؟

من اسمش را می‌گذارم ناهماهنگی؛ یعنی به نظر من اگر هماهنگی‌های بیشتری انجام شود مشکلی نداریم. ما کشوری هستیم که به اندازه کافی منابع داریم اما مدیریت منابع نداریم.

در حال حاضر ما هنوز شبکه ملی اطلاعاتمان راه نیفتاده و بخشی از محتواهای ارائه شده در فضای مجازی بنا به اذعان کار شناسان و خود شما نامناسب است. در رابطه با بحث فیلتر ینگ هوشمند

گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۲۸

نظر شما چیست آیا این فیلتر ینگ اصلاً امکان‌پذیر است؟

این یک بحث بین‌المللی است. یعنی هیچ قطعی‌ای از دنیا نیست که ادعا کند همه دسترسی‌ها را به صورت آزاد برای همه افراد ایجاد کرده است. مثل این می‌ماند که ما اتوبان درست کنیم اما برایش قاعده و قانون وضع نکنیم. همانطور که در فضای واقعی یک اصول و قواعدی حاکم است و یک جاهایی ممنوعیت می‌گذاریم؛ چراغ قرمز می‌گذاریم که طرف عبور نکند، خط عبور عابرپایاده می‌گذاریم که فرد برای عبور از عرض خیابان فقط از آنجا عبور کند تا آسیب نبیند، چنین موضوعی در فضای مجازی هم وجود دارد. من فکر نمی‌کنم کسی در دنیا باشد که بگوید به طور مطلق ما فیلتر کردن را قبول نداریم. بنابراین باید اصول و قواعدی بر این فضا حاکم باشد و مطابق با چنین قواعدی باید برای افراد حدود نوشته شود. دسترسی آزاد اطلاعات به معنی راه کردن فضای مجازی نیست، ضمن آنکه باید دسترسی آزاد اطلاعات وجود داشته باشد اما قوانین بین‌المللی در قالب اس‌ای

اس‌ای تی یو یا سازمان‌های جهانی به نهادهای حاکمیتی و دولت‌ها، بخش‌های خصوصی و شرکت‌ها تکلیف می‌کنند که باید یکسری قواعد را از جهت کنترل رعایت کنند. مثلاً در سازمان‌های جهانی همه اپراتورهای تلفن همراه را مکلف کرده‌اند که سیم‌کارت اختصاصی کودکان داشته باشند کودکان نباید به محتوایی که در تلفن همراه برای بزرگسالان در دسترس است، دسترسی داشته باشند و این یک نوع ظلم به کودک است. بنابراین من معتقدم نظام هوشمند فیلتر ینگ عین حقوق بشر است و رعایت حدود برای این است که آزادی‌های فضای مجازی حفظ و امنیت خاطر برای انسان‌ها ایجاد شود و ناهنجاری برای افراد ایجاد نشود.

اصلاً خود افرادی که در فضای مجازی حضور دارند باید به دنبال این باشند که یک حد و حدودی در این فضا گذاشته شود و قاعده‌مند شود. به نظر من گلابه‌ای که در نظام جمهوری اسلامی بزرگان کشور باید هم از شورای عالی فضای مجازی و هم بخش‌های دیگر حاکمیتی مطرح کنند است که چرا برخی از امور بی‌قاعده است؟ البته تشکیلات امنیتی دارند کار خود را انجام می‌دهند اما سطح قاعده‌مندی باید گسترده‌تر از اینها باشد. ما برای اینکه احساس آرامش در جوان، کودک و نوجوان حاکم شود باید قوانین بین‌المللی را بر این فضا حاکم کنیم.

خیابان که در یک اتوبان، یک بانسد کندرو، یک باند برای دسترسی محلی و باندی برای ماشین‌هایی که با سرعت زیاد حرکت می‌کنند در نظر گرفته می‌شود پس باید در رابطه با این شبکه نیز چنین اقداماتی انجام شود؛ اینها می‌شود اقدامات فنی و زیرساختی. مرحله دوم و کار سنگین‌تری که در این رابطه باید انجام شود، اقدامات ملی و هماهنگی راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات است که تعداد زیادی از نهادهای باید برای این موضوع با هم هماهنگ شوند.

به طور نمونه سیستم خدمات بانکی، پستی و شتابایی افراد باید با هم هماهنگ باشد تا اگر کسی خواست عملیاتی را انجام دهد اطلاعات این فرد به راحتی با بانک یا اداره ثبت اسناد در گردش قرار بگیرد. بنابراین یکسری هماهنگی‌های ملی نیاز است و تا زمانی که این هماهنگی‌ها انجام نشود، شبکه ملی اطلاعات هم نمی‌تواند راه‌اندازی شود. لایه بعدی که باز کار خیلی بیشتری می‌خواهد، توجه به بحث تولید محتواست. با فرض اینکه ما شبکه ملی اطلاعات را راه‌اندازی کنیم اگر محتوای لازم را برای آن نداشته باشیم، دیگران در این پهنای باند ایجاد شده محتوا می‌ریزند و دوباره می‌شود شبکه ملی اطلاعات که محتوای بیگانه یا احتمالاً نامناسب در آن وجود دارد. با راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات سرعت اینترنت بسیار بالاتر می‌رود و اگر محتوای مناسبی برای ارائه در این شبکه تولید نشود دوباره نگرانی‌هایی در عین جامعه شکل می‌گیرد. مسئله چهارم که خیلی هم مهم است، تغییر سرویس‌هاست. باید سرویس‌های متعدد راحت، با دسترسی‌ها و تسهیلات مختلف که از سرویس‌های بیرونی کمتر و ضعیف‌تر نباشد، ارائه شود در غیر این صورت شبکه ملی اطلاعات با مشکل مواجه می‌شود. پس دلیل اینکه شبکه ملی اطلاعات در زمان تعیین شده هنوز به ثمر نرسیده مجموعه‌ای از این دست عوامل بوده است.

چرا آنها دغدغه‌گه کودکان و نوجوانانشان را دارند اما ما چنین دغدغه‌ای را نداشته باشیم. چرا ما امکانات و مقدرات خاص محصل مدرسه را فراهم نمی‌کنیم که وی به سراغ فضای رای اینترنت برود و گرفتار فضای مجازی بیگانه شود؟ در فضای مجازی ما باید با این فضا و عوارض این فضا و اعتیاد به این فضا آبیسان می‌کند و دولت و مردم را در حوزه‌های مختلف مکلف می‌کند که قواعدی را اعمال کنند و بپذیرند. البته فیلتر ینگ به معنی سانسور، برخورد و خشونت از طرف دولت به مردم تلقی نشود و این خیلی مهم است.

بحث شبکه ملی اطلاعات در بند ۴۶ برنامه پنجم توسعه هم بوده است؟

بله، در برنامه ششم توسعه هم هست و هیچ اشکالی هم ندارد که چنین طرحی در چند برنامه هم بیاید.

اما مقصود سؤال من این است که آیا پنج سال زمان برای فراهم آوردن این زیرساخت‌ها و هماهنگی‌ها کافی نبوده که ما هنوز قادر به اجرای شبکه ملی اطلاعات نبوده‌ایم؟

نه نشده است. یک جاهایی ناهماهنگی می‌داریم. محتوای لازم را نتوانسته‌ایم برای این مقصود فراهم کنیم، عناصر فنی آن را نتوانسته‌ایم ایجاد کنیم، عوامل و عناصر فنی کار را نتوانسته‌ایم ایجاد کنیم، ظرفیت‌های ملی را فعال نکرده‌ایم تا این شبکه ملی اطلاعات بیاید و درحال حاضر در زمینه سرعت اینترنت و پهنای باند و محتوای بومی و جداسازی اینترنت از اینترنت‌انگرنی نداشته باشیم و مزه هزینه کمتر کردن و راحتی بیشتر داشتن را بچشمیم.

در واقع اگر بخواهیم صریح‌تر صحبت کنیم کم کارهایی در این بین باعث شده که شبکه ملی اطلاعات طی پنج سال با وجود تکلیف قانونی راه‌اندازی نشود؟

من اسمش را می‌گذارم ناهماهنگی؛ یعنی به نظر من اگر هماهنگی‌های بیشتری انجام شود مشکلی نداریم. ما کشوری هستیم که به اندازه کافی منابع داریم اما مدیریت منابع نداریم.

در حال حاضر ما هنوز شبکه ملی اطلاعاتمان راه نیفتاده و بخشی از محتواهای ارائه شده در فضای مجازی بنا به اذعان کار شناسان و خود شما نامناسب است. در رابطه با بحث فیلتر ینگ هوشمند

۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۴۵۶۶

ناراحتی روحی – روانی برای افراد ایجاد می‌شود چراکه در این فضا امکان سوءاستفاده مهیاست. وضعیت بزهکاری در این فضا ایجاد می‌شود. حتماً باید چنین قاعده‌هایی در این فضا وجود داشته باشد تا ما احساس امنیت‌خاطر کنیم.

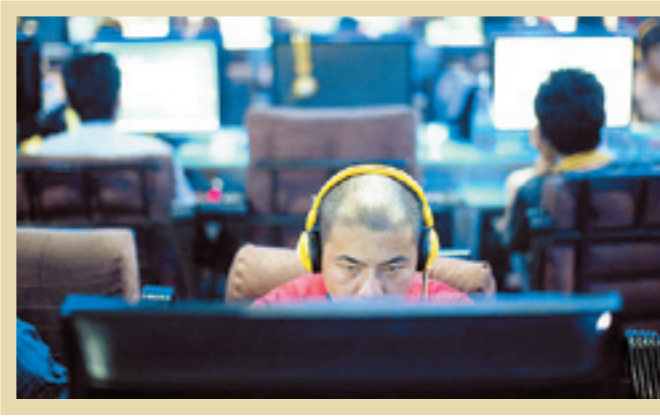
آیا ما زیرساخت‌های ایسن فیلتر ینگ هوشمند را داریم؟ چراکه در گذشته ما شاهد فیلتر ینگ کامل سایت‌ها بودیم.

شما فیلتر ینگ هوشمند را از جنس فنی و نرم‌افزاری گرفتید.مشکل همینجاست فیلتر ینگ یعنی ایجاد قاعده‌ای که همه به آرامش رسیده‌اند. اولین قدم فیلتر ینگ هوشمند قاعده وضع کردن و نوشتن اصول و تعیین سیاست‌هاست و مراحل آخر آن ایجاد یک نرم‌افزار هوشمندی است که مثلاً فیلم پورنو برای فر پخش نکند. الان قوانین متعددی در دنیا از لحاظ نرم‌افزاری وجود دارد و خوشبختانه تکنولوژی خودش به کمک بشر آمده و بر فرض اگر شما در یوتیوب یک فیلمی را ابلود کنید، دومین و سومین فیلم را که بفرستید اگر محتوای مناسبی نداشته باشد به شما لازم داده و آن را پاک می‌کنند و دسترسی شما را می‌بندند. تکنولوژی از نظر نرم‌افزاری هم روز به روز پیشرفت می‌کند اما فیلتر ینگ هوشمند فقط نرم‌افزاری نیست، گام آخر اعمال نرم‌افزار است.

پس تعریف شما از فیلتر ینگ چیست؟
فیلتر ینگ شش گام اصلی دارد، گام اول تحلیل محیط و برسی فضای مجازی به لحاظ منویات آسیب‌ها، رفتاری‌ها و تهدیدات و نگرانی‌های آن است. بعد از رصد و تحلیل ایسن فضا نوبت به تهیه منشور و اصول و قواعدی می‌رسد که باید بر این فضا حاکم شود. مثلاً دسترسی آزاد اطلاعات را تعریف کنیم و به یک مفهوم مشترک برسیم. گام سوم، دستورالعمل‌های عملیاتی است که باید بخش‌های مختلف آن را اجرا کنند. گام چهارم، افزایش سواد رسانه‌ای است یعنی آگاهی دادن به مردم و آموزش دادن به آنهاست. مرحله پنجم، طراحی و استقرار سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و مرحله ششم می‌شود فیلتر کردن به معنی بستن، منقبض برخورد کردن و برخورد حقوقی و قضایی کردن که این گام آخر است.

پس در واقع آن پنج مرحله اول ایجابی و مرحله آخر سلبی است؟

احسن‌درست فرمودید. اگر آنقدر محتوای خوب در اختیار شما قرار بگیرد شما چه نیازی دارید به سراغ ساینتی بروید که ۵۰ درصد محتوای آن مشکل دارد؟ در این پنج گامی هم که من عرض کردم این مقدرات باید لحاظ شود.



در رابطه با ساماندهی شبکه‌های اجتماعی چطور؟ آیا راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی وطنی می‌تواند به این ساماندهی منتهی شود یا در اینجا نیز ما باید از طریق فرهنگ سازی و همین مراحل‌کی که رابطه با فیلتر ینگ هوشمند به آن اشاره داشتید کار را پیش ببریم؟

نه اینجا مسئله فرق می‌کند. شبکه‌های اجتماعی یا OTT، با سرویس یا یک خدمت هستند. طبیعتاً هر کسی خدمت را با کیفیت بهتر ارائه داد مردم به سراغ آن می‌روند. بدیهی است ما اگر می‌خواهیم در این زمینه موفق باشیم باید خدمت خوب و تسهیلات زیاد بدهیم و امکاناتی را برای مشتری ایجاد کنیم که با میل و رغبت به سراغ آن بیاید. در این زمینه لازم است تا با تبلیغات این سرویس را برند و بزرگ کنیم و به کاربر اطمینان خاطر بدهیم که در آن فضا احساس امنیت و آرامش عالی و نگرانی‌های امنیتی نداشته باشد. اگر ما تمام این موارد را اجرا کنیم در این صورت شبکه اجتماعی بومی داخلی با کیفیت خوب با سرویس‌های متعدد عالی و ارزان قطعاً جای شبکه‌های اجتماعی بیرونی را خواهد گرفت، وگرنه موفق نخواهیم بود چراکه این شبکه‌های اجتماعی تسهیلاتی ارزان و راحت فراهم می‌کنند.

در واقع اینجا حتی اگر برای مخاطب و کاربر این شبکه‌های اجتماعی هم قدر هم دربره چالش‌های این شبکه‌های اجتماعی و پشت پرده‌های آن توضیح بدیم به نتیجه نمی‌رسیم چون آنها دارند خدمات چنین شبکه‌هایی را در یافت می‌کنند. درست است؟

حتماً همینطور است. ما باید خدمات ایجاد کنیم تا آنها بپذیرند. اگر عده‌ای گرسنه باشند و نانویی محلسان نان نامرغوب بدهد آیا به سراغ محلات دیگر نمی‌روند؟ طبیعتاً اگر ما سرویس خوبی ارائه کنیم، با استفاده از فضای رسانه‌ای برای آن تبلیغ دهیم، مهاجرت به سرویس‌های داخلی اتفاق می‌افتد. آنگاه می‌توانیم بر خورد سلبی کنیم و اگر کسی خواست از طریق این شبکه‌ها جاسوسی کند آن وقت می‌توان تود دخالت کرد و موضع گرفت.